

برای حفظ قدرت خرید مردم و طبق وعده یزشکیان و قالیباف؛

**مبلغ کالا برگ باید
به ۲ تا ۳ میلیون تومان افزایش یابد**

هزینه خرید ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف
برای خانوار ۳ نفره (میلیون تومان)

21,165

۹,۵ میلیون تومان گرانی
۵۰ قلم مواد غذایی در
مقابل فقط ۳ میلیون
تومان کالا برگ

مرداد ۱۴۰۵ قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی

12, 319

مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف، دی‌ماه سال گذشته که ارز ترجیحی کالاها را حذف کردند به مردم وعده دادند که مبلغ کالا برگ متناسب با تورم افزایش خواهد یافت تا قدرت خرید مردم برای تامین مواد غذایی ثابت بماند. اکنون در ماه دهم اجرای کالا برگ در حالی دولت پزشکیان از افزایش مبلغ کالا برگ سخن می‌گوید که محاسبات نشان می‌دهد برای حفظ قدرت خرید مردم در سطح قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، باید مبلغ کالا برگ یک میلیون تومانی به حداقل ۲ و در حالت بهینه به ۳ میلیون تومان افزایش پیدا کند.

هزینه خرید مواد غذایی در سبد کالابرگ (۱۱ قلم) برای خانوار ۳ نفره (میلیون تومان)

بیون تومان گرانی
سبب غذایی در
فقط ۳ میلیون
بان کالا برگ

مرداد ۱۴۰۵ قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی

۱۲,۲۴۹

5,760

مرداد ۱۴۰۵

سر لشکر رضایی: مذاکره پس است



اجرا شود. پس از آن، مرحله بعد مشخص خواهد شد. شرط ایران باید کامل و یک جا اجرا شود و پس از آن مرحله بعدی باید اجرایی شود. دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: پس از اجرای شروط، مذاکرات ایران می تواند صرفاً در یک بازه سه یا چهار روزه یا ظرف چهار تا پنج روز انجام شود. برخی طرف ها ممکن است یک روز، چهار ساعت یا هشت ساعت زمان گذاشته باشند، اما چهار تا پنج روز نیز به آنها فرصت داده ایم تا شروط را اجرا کنند. دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد: بنابراین تا شروط ایران اجرا نشود، نه تکه نه هر مزبای می شود و نه مذاکرات در کار خواهد بود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی بار دیگر بر ضرورت احترام آمریکا به حقوق ملت ایران تاکید کرد.

سردار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیامی در شبکه ایکس نوشت: دیپلماسی جدید ایران به گذشته نرخواهد گشت، ما آمریکا را وادار خواهیم کرد که به حقوق ملت ایران احترام بگذارد و به شروط ابلاغی عمل کند: در غیر اینصورت تنگه هرمز باز نخواهد شد.

وی تصریح کرد: مذاکره بس است، عمل کنید.

پیش از این سرلشکر ضایعی در یک گفت‌وگوی تلویزیونی درباره جایگاه ایران در تقابل با آمریکا گفته بود: ما دیگر به دیپلماسی گذشته و اوضاع اسلام‌آباد و قبل از آن برنمی‌گردیم؛ آمریکایی‌ها اول باید ۷ شرط ایران را عملی کنند وگرنه نه تنگه‌های مرزبازی می‌شود و نه مذاکراتی آغاز می‌شود.

روی‌ها اشاره به شرایطی که ایران در آن قرار گرفته است، اظهار کرد: در این بحثی که ایران وارد آن شده، دیپلماسی جدید ایران به گذشته برنخواهد گشت، مسیر دیپلماسی ما جدید است. رضایی تاکید کرد: نباید بر اساس خواب و رؤیا حرکت کنیم و نباید زمان را تلف کنیم. شروط ما را باید بپذیرد. برای شروط ما مرحله بعدی نیز تعریف شده است.

وی افزود: در یک مرحله، پیش از باز کردن تنگه هرمز، شروط باید

داماد سرخانه بین المللی






هزینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس
۱۲ برابر عدد اعلام شده!



در حالی که در مجمع اخیر هلدینگ خلیج فارس رقم هزینه های

شركت	سال ۱۴۰۴	سال ۱۴۰۵
پتروشیمی نوری	۱۹۰	۲۵۰
پتروشیمی بوعلی	۱۲۰	۱۵۰
پتروشیمی اروند	۱۵۰	۲۰۰
فجر انرژی	۴۹	-
مبین انرژی	۷۲	-
پتروشیمی تندگویان	۵۰	۵۰
پترول	۱۰	۲۵
پتروشیمی پارس	۱۳۰	۱۵۰
جمع کل	۷۷۱	۸۲۵

در حالی که در مجمع اخیر هلدینگ خلیج فارس رقم هزینه های تولید اجتماعی سال مالی گذشته رقم ۶۵ میلیارد تومان و برای سال جاری مالی نیز رقم ۷۰ میلیارد تومان اعلام شده، اما بررسی ارقام اعلامی مجمع جداگانه شرکت های زیرمجموعه این هلدینگ نشان می دهد ۸ شرکتی که با مالکیت هلدینگ بوده یا هلدینگ در آن سهام بر سر دارد، رقم مسئولیت اجتماعی خود را برای سال گذشته ۷۷۱ و برای سال جاری ۸۲۵ میلیارد تومان تصویب کرده اند.

به عبارتی، رقم هزینه کرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ ۱۱،۸ برابر رقم اعلامی مجمع اخیر هلدینگ برای مسئولیت اجتماعی است.

قابل ذکر است هزینه کرد غیرشفاف هلدینگ خلیج فارس به‌ویژه هزینه‌کردهای این گروه برای باشگاه استقلال همواره مورد اعتراض کارشناسان و همچنین جامعه فوتبال شده است.

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس - نماد: فارس

تشرکات: صنایع پتروشیمی خلیج فارس

موضوع: خلاصه تصمیمات مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام برای سال (دوره) مالی منتهی به 1405/03/31 شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس - بهاد فارس (شخلمخ فارس)

لہذا رمان و محل برگزارگر مجمع عمومی؛
 خلاصہ مجمع عمومی غازی سالیانہ ماحول سہام شرکت برائے اس اگلی منتشرہ در سامانہ کمال در تاریخ 1405/06/15 در خصوص دعوت به مجمع عمومی غازی سالیانہ رأس ساعت 10:00 روز چهار شنبہ مورخ 1405/06/25 درجہ ذیل ہوا:

ب۔ دستور جلسہ :

تعهد معاملات موضوع ماده 129 اصلاحیه قانون تجارت : همه معاملات تعهد گردید.

دکتر حمزه اعمای غیر موظف و یارانش هیئت مدیره

شرح	سال قبل مبلغ	سال جاری مبلغ	توضیح
حق حقوق (ریال)	200,000,000	250,000,000	حداقل 1 حلیه در ماه و به ازای حداکثر 3 حلیه در ماه به صورت پاداش
پاداش (مبلغ ریال)	10,667	20,000	
حق جوهر اعتماد مبتدیان به عنوان عضو کمیته حاکمیتی (ریال)	200,000,000	200,000,000	بابت برگزینی حداکثر 2 حلیه در ماه
حق جوهر اعتماد مبتدیان به عنوان عضو کمیته اعتماد (ریال)	200,000,000	200,000,000	بابت برگزینی حداکثر 2 حلیه در ماه
حق جوهر اعتماد مبتدیان به عنوان عضو کمیته ریسک (ریال)	200,000,000	200,000,000	بابت برگزینی حداکثر 2 حلیه در ماه
سایر کمیته های تخصصی (ریال)	0	0	بابت برگزینی حداکثر 2 حلیه در ماه
فرهنگ های مسئولیت اجتماعی (مبلغ ریال)	650,000	70,000	



گازوئیل ۶ دلاری در آمریکا؛ جمهوری خواهان خواستار محدودیت صادراتی

❏ قیمت گازوئیل در آمریکا برای نخستین بار از ۶ دلار در هر گالن عبور کرده و ذخایر این سوخت در هفته گذشته به ۱۰۷٫۹ میلیون بشکه، پایین ترین سطح این مقطع از سال از زمان آغاز ثبت آمار در ۱۹۸۲، رسیده است. اختلاف در عرضه فرآورده های نفتی ناشی از تقابل ایران و آمریکا در کنار جنگ اوکراین و محدودیت صادرات روسیه، بازار جهانی گازوئیل را تحت فشار قرار داده است. در آستانه انتخابات میان دوره ای، برخی چهره های ارشد جمهوری خواه اکنون از دولت ترامپ خواسته اند صادرات گازوئیل آمریکا را محدود کند؛ پیشنهادی که دولت تاکنون نپذیرفته است. محدودیت صادرات گازوئیل می تواند به کاهش قیمت در بازار داخلی آمریکا منجر شود اما برخلاف منافع شرکت های بزرگ نفتی و پالایشگاه هاست که از حامیان اصلی ترامپ و جمهوری خواهان هستند. افزایش قیمت سوخت به این ترتیب به یکی از مسیریهای انتقال هزینه تقابل با ایران به اقتصاد و سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده است.

بازار گازوئیل آمریکای طی ماه های اخیر با سرعت بیشتری از بازار بنزین تحت فشار قرار گرفته است. قیمت خرده فروشی گازوئیل در سپتامبر از ۶ دلار در هر گالن عبور کرده و داده های رسمی اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می دهد متوسط قیمت در هفته منتهی به ۱۴ سپتامبر به حدود ۶٫۲۹ دلار در هر گالن رسیده است. این رقم در ابتدای آگوست حدود ۵٫۳۵ دلار بود. هم زمان ذخایر فرآورده های میان قطبیر آمریکا، که گازوئیل بخش اصلی آن را تشکیل می دهد، به شدت کاهش یافته است. موجودی این فرآورده ها در ۱۱ سپتامبر به ۱۰۷٫۹ میلیون بشکه رسید که پایین ترین سطح برای این زمان از سال از آغاز ثبت آمار در ۱۹۸۲ محسوب می شود. اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش بینی کرده است این ذخایر در سپتامبر به کمتر از ۱۰۰ میلیون بشکه برسد و تا پایان ۲۰۲۶ و بخش عمده سال ۲۰۲۷ پایین تر از متوسط پنج ساله باقی بماند.

کمبود گازوئیل یک مسئله صرفاً آمریکایی نیست. جنگ اوکراین و حملات به زیرساخت های پالایشی روسیه، محدودیت صادرات فرآورده از این کشور و اختلال در جریان فرآورده های نفتی از منطقه خلیج فارس هم زمان عرضه جهانی را کاهش داده اند. روتنر گزارش کرده میلیون هابشکه در روز از ظرفیت عرضه فرآورده در روسیه و منطقه تحت تأثیر جنگ ها قرار گرفته و موجودی گازوئیل در اروپا و دیگر مراکز تجاری نیز پایین مانده است.

فشار گازوئیل به دیگره رسید

افزایش قیمت سوخت اکنون از بازار انرژی به سیاست داخلی آمریکا سرایت کرده است. جان تون، رهبر اکثریت جمهوری خواه سنا، احتمال محدود کردن صادرات گازوئیل را مطرح کرده و جاک گرسلی، سناتور جمهوری خواه ایالت آیووا، خواستار اعمال چنین محدودیتی شده است. آمریکا در حال حاضر بزرگ ترین صادرکننده گازوئیل در جهان است و کاهش صادرات می تواند حجم بیشتری از تولید پالایشگاه های این کشور را در بازار داخلی نگه دارد. فشار سیاسی به این دو سناتور محدود نمانده است. فایننشال تایمز گزارش کرده جمهوری خواهان ایالت های کشاورزی، از جمله نمایندگان آیووا، خواستار اقدام فوری دولت برای کاهش هزینه گازوئیل شده اند. برخی پیشنهادها از توقف یا محدود کردن صادرات تا کاهش مالیات سوخت و ارائه حمایت مالی به کشاورزان را شامل می شود. نگرانی اصلی این نمایندگان افزایش هزینه سوخت ماشین آلات کشاورزی و حمل محصولات در آستانه انتخابات میان دوره ای نوامبر است.

اهمیت گازوئیل برای اقتصاد آمریکا با بنزین متفاوت است. بخش بزرگی از حمل و نقل جاده ای کالا، ماشین آلات کشاورزی و بخشی از فعالیت های صنعتی به این سوخت وابسته است. بنابراین افزایش قیمت آن از طریق کرایه حمل و هزینه تولید می تواند به قیمت طیف گسترده ای از کالاها منتقل شود. روتنر برآورد کرده حدود ۳ میلیون بشکه در روز از گازوئیل مصرفی آمریکا در بخش حمل و نقل استفاده می شود.

چرا دولت با ممنوعیت صادرات مخالف است؟

دولت ترامپ تاکنون پیشنهاد ممنوعیت صادرات گازوئیل را نپذیرفته است. استدلال مطرح شده این است که چنین محدودیتی الزاماً به کاهش پایدار قیمت داخلی منجر نمی شود و می تواند واکنش کشورهای دیگر و اختلال بیشتر در شبکه جهانی تجارت سوخت را در پی داشته باشد. صنعت نفت آمریکا نیز با محدودیت صادرات مخالفت کرده است. مشکل دیگر آن است که ظرفیت پالایش آمریکا در کوتاه مدت امکان افزایش قابل توجه تولید را نمی دهد. پالایشگاه های این کشور در سطح بالایی از ظرفیت خود فعالیت می کنند و افزایش حاشیه سود پالایش نیز تاکنون نتوانسته کمبود عرضه را برطرف کند. در ۱۴ سپتامبر اختلاف قیمت گازوئیل کم گوگرد و نفت خام، که معیاری برای حاشیه سود پالایش این فرآورده است، به رکورد ۱۱۸٫۶۲ دلار در هر بشکه رسید.

در چنین شرایطی، دولت آمریکا با انتخاب ساده ای روبه رو نیست. محدود کردن صادرات ممکن است در کوتاه مدت عرضه داخلی را افزایش دهد، اما از سوی دیگری می تواند بازار جهانی را فشار دهد و به افزایش قیمت فرآورده در کشورهای واردکننده منجر شود. ادامه صادرات نیز فشار بر مصرف کنندگان کشاورزان و شرکت های حمل و نقل آمریکایی را حفظ می کند.

هزینه جنگ به یک محدودیت سیاسی تبدیل می شود

افزایش قیمت گازوئیل را نمی توان تنها نتیجه تقابل ایران و آمریکا دانست. جنگ اوکراین، محدودیت صادرات روسیه و محدودیت های ساختاری صنعت پالایش نیز در شرایط فعلی نقش دارند. با این حال اختلال در صادرات انرژی از منطقه خلیج فارس یکی از عواملی است که بازار جهانی فرآورده را تحت فشار قرار داده و باعث شده ذخایر پالایش آمریکا با سرعت بیشتری به مسئله ای سیاسی تبدیل شود. اهمیت این تحول برای ادامه تقابل در همین نقطه قرار دارد. فشار انرژی بر آمریکا دیگر تنها در قیمت نفت خام دیده نمی شود؛ کمبود گازوئیل هزینه حمل و نقل، کشاورزی و تولید را بالا می برد و هم زمان نمایندگان جمهوری خواه را در آستانه انتخابات میان دوره ای به مطالبه مداخله مستقیم دولت در بازار انرژی سوق داده است.

اگر کمبود جهانی گازوئیل مطابق پیش بینی ها تا سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند، طولانی شدن تقابل می تواند حاشیه مانور دولت آمریکا در سیاست انرژی را محدودتر کند. در خواست جمهوری خواهان برای محدودیت صادرات نخستین نشانه آن است که فشار بازار فرآورده ها از یک مسئله اقتصادی به یک مسئله انتخاباتی نیز تبدیل شده است.

هزینه خرید مواد غذایی در سبد کالا بزرگ

(۱۱ قلم) برای خانوار ۳ نفره

(میلیون تومان)

۶/۵میلیون تومان گرانی
۱۱قلم سبد غذایی در مقابل
فقط ۳ میلیون تومان کالا بزرگ

۵/۷۶۰

مرداد ۱۴۰۵

قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی

۱۲/۲۴۹

۱۲/۳۸۹

۹/۵میلیون تومان گرانی
۵۰قلم مواد غذایی در مقابل
فقط ۳ میلیون تومان کالا بزرگ

۲۱/۸۶۵

۱۲/۳۸۹

۹/۵میلیون تومان گرانی
۵۰قلم مواد غذایی در مقابل
فقط ۳ میلیون تومان کالا بزرگ

۲۱/۸۶۵

۱۲/۳۸۹

۹/۵میلیون تومان گرانی
۵۰قلم مواد غذایی در مقابل
فقط ۳ میلیون تومان کالا بزرگ

برای حفظ قدرت خرید مردم و طبق وعده پزشکيان و قالیباف؛

مبلغ کالا بزرگ باید به ۲ تا ۳ میلیون تومان افزایش یابد

گزارش

❏ مسعود پزشکيان و محمد باقر قالیباف، دی ماه سال گذشته که ارز ترجیحی کالا های اساسی را حذف کردند به مردم وعده دادند که مبلغ کالا بزرگ متناسب با تورم افزایش خواهد یافت تا قدرت خرید مردم برای تامین مواد غذایی ثابت بماند.

اکنون در ماه دهم اجرای کالا بزرگ در حالی دولت پزشکيان از افزایش مبلغ کالا بزرگ سخن می گوید که محاسبات نشان می دهد برای حفظ قدرت خرید مردم در سطح قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، باید مبلغ کالا بزرگ یک میلیون تومانی به حداقل ۲ و در حالت بهینه به ۳ میلیون تومان افزایش پیدا کند.

حالت اول: محاسبه سبد کالا بزرگ شامل ۱۱ گروه غذایی

اگر فقط سبد کالا بزرگ مدنظر دولت را برای محاسبه قدرت خرید مردم لحاظ کنیم، مشخص می شود هزینه خرید ۱۱ گروه مواد غذایی در سبد کالا بزرگ که از سوی دولت اعلام شده، در آذرماه ۱۴۰۴ یعنی قبل از حذف

سبد کالا بزرگ	سرانه مصرف ماهانه هر فرد در ماه (گرم)
مرغ	۱۵۰۰
روغن	۸۱۰
تخم مرغ	۱۰۰۰
برنج	۱۰۰۰
قند و شکر	۵۰۰
ماکارونی	۷۰۰
شیر نیلونی کم چرب	۹۰۰
پنیر ریو اف	۴۰۰
ماست کم چرب	۹۰۰
گوشت قرمز	۱۰۰۰
حبوبات	۱۰۰۰

برای خانوار سه نفره افزایش یافت. بنابراین برای اینکه قدرت خرید مردم برای تامین صرفاً همین ۱۱ گروه مواد غذایی در سبد کالا بزرگ در سطح قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ باقی بماند، ۲۰ اکنون باید مبلغ کالا بزرگ به ۲ میلیون و ۱۶۳ هزار تومان برای هر نفر افزایش یابد.

از ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای هر نفر یک میلیون و ۹۱۹ هزار تومان و برای یک خانوار سه نفره ۵ میلیون و ۷۵۹ هزار تومان بود. در مردادماه امسال هزینه خرید سبد کالا بزرگ به ۴ میلیون و ۸۳ هزار تومان برای هر نفر و ۱۲ میلیون و ۲۴۹ هزار تومان

مطالبات ۱۴۶ همتی گندمکاران؛

کشاورزان بین قیمت تضمینی و هزینه تولید گیر افتادند

❏ قیمت گندم فقط روی کاغذ تعیین می شود اما هزینه تولید و زمان دریافت مطالبات، معادله واقعی درآمد گندمکاران را تغییر می دهد. امسال نيز از ۴۱۶ همت مطالبات گندمکاران، تاکنون ۲۷۰ همت پرداخت شده و ۱۴۶ همت همچنان باقی مانده است؛ در شرایطی که افزایش هزینه نهاده ها، فاصله میان قیمت خرید تضمینی و هزینه واقعی تولید را بیشتر کرده است.

قیمت گندم یک بار در ابتدای فصل تعیین می شود اما هزینه های تولید و زمان دریافت مطالبات، داستان دیگری دارد. امسال نیز پرداخت مطالبات گندمکاران به صورت منظم و یکپارچه انجام نشد؛ پرداخت ها مرحله ای و براساس زمان تحویل گندم متفاوت بوده و با وجود چند مرحله و بیش از ۹۰ درصد تسویه کامل صورت نگرفته است. دولت اعلام کرده با پرداخت ۱۰۰ همت دیگر، بیش از ۹۰ درصد مطالبات پرداخت خواهد شد. بر اساس اعلام بنیاد ملی

گندمکاران ایران، از ۸٫۵ میلیون تن گندم خریداری شده به ارزش ۴۱۶ همت، تاکنون ۲۷۰ همت پرداخت شده و ۱۴۶ همت باقی مانده است. تأخیر در پرداخت مطالبات همچنان ادامه دارد و این مسئله به تولیدکننده و در نهایت تولید گندم کشور آسیب می زند. از سوی دیگر، مسئله فقط تأخیر در پرداخت نیست. قیمت خرید تضمینی در مقطعی تعیین می شود که نرخ ارز و هزینه نهاده ها با زمان برداشت و پرداخت مطالبات فاصله دارد. ممکن است قیمت گندم در زمان اعلام، بر مبنای شرایط اقتصادی همان مقطع تعیین شود اما چند ماه بعد که خرید محصول آغاز می شود، نرخ ارز و هزینه کود، سم، ماشین آلات، دستمزد و سایر نهاده های تولید افزایش یافته باشد. به این ترتیب حتی اگر قیمت اسمی گندم افزایش پیدا کند، سؤال این است که این قیمت در زمان تحویل محصول و دریافت پول، چه میزان از قدرت خرید و هزینه های واقعی تولید را پوشش می دهد؟

مسئله گندم کار فقط «قدر می گیرند» نیست؛ بلکه «چه زمانی قیمت تعیین می شود و چه زمانی پولش را می گیرد» هم اهمیت دارد که مورد توجه قرار نمی گیرد. در همین راستا، رئیس بنیاد ملی گندمکاران به خبرنگار اقتصاد معاصر گفت: یکی از مشکلات اصلی گندمکاران این است که قیمت گندم کاران با اشاره به افزایش هزینه نهاده ها گفت: به عنوان مثال قیمت کود در حال حاضر حدود ۶ برابر سال گذشته شده و تخفیفی نیز برای کشاورز در نظر گرفته نشده است.

افزایش ۱۶ درصدی تولید برنج نتوانست قیمت ها را کاهش دهد



نحوه توزیع و خروج کالا از انبار اهمیت پیدا می کند.

برنج ارزان، فقط با افزایش تولید به دست نمی آید

برنج ارزان، فقط با افزایش تولید به دست نمی آید. این رقم به ۱۵ تا ۲۰ هزار تن کاهش یافته بود. به گفته وی با رفع مشکلات حمل و نقل، انتظار می رفت واردات در یک ماه به بیش از ۲۰۰ هزار تن برسد.

بنابراین، اگر هم زمان با رشد تولید داخلی، مسیر واردات نیز بازتر شده باشد، سؤال اصلی دیگر صرفاً «چقدر برنج داریم؟» نیست؛ بلکه باید پرسید این برنج در چه نقطه ای از زنجیره متوقف می شود؟
گره بازار در حلقه توزیع
یکی از نکات مهم در سیاست جدید وزارت جهاد کشاورزی، تأکید بر عرضه مستقیم برنج وارداتی از کمرک به بازار بود. منطق این سیاست روشن است؛ هرچه تعداد حلقه های واسطه ای کمتر شود، امکان افزایش هزینه در زنجیره توزیع کاهش پیدا می کند. اما تجربه بازار کالاهای اساسی نشان داده که افزایش واردات یا حتی افزایش موجودی انبارها، لزوماً به معنای افزایش عرضه مؤثر نیست. کالایی که وارد کشور شده اما در انبار باقی مانده، برای مصرف کننده «عرضه» محسوب نمی شود. در همین زمینه، گزارش هایی درباره وجود حجم قابل توجهی برنج خارجی در محل یک مجموعه دولتی در قم منتشر شده است. این ادعا نیازمند بررسی و اعلام رسمی دستگاه های مسئول است و نمی توان صرفاً بر مبنای گزارش رسانه ای، آن را معادل احتکار یا تخلف دانست. با این حال، اصل موضوع اهمیت دارد؛ اگر کالا وجود دارد اما به بازار مصرف نمی رسد، سیاست تنظیم بازار در حلقه توزیع با مشکل مواجه است. حتی فعالان بازار نیز پیش از بالا بودن موجودی برخی کالاها در انبارها نسبت به تقاضا سخن گفته اند؛ مسئله ای که نشان می دهد در برخی مقاطع، چالش بازار الزاماً کمبود فیزیکی کالا نیست، بلکه

تولید برنج در سال ۱۴۰۵ با رشد ۱۶ درصدی به حدود ۲٫۲ میلیون تن رسیده و ممنوعیت فصلی واردات نیز لغو شده؛ با این حال، قیمت برنج ایرانی همچنان در محدوده ۴۵ هزار تومان قرار دارد. فاصله میان رشد عرضه و قیمت مصرف کننده، بار دیگر مسئله واسطه گری و ضعف در شبکه توزیع را به کانون توجه بازار برنج آورده است.

بازار برنج در سال جاری با یک تناقض قابل توجه روبه رو شده است. از یک سو وزارت جهاد کشاورزی از افزایش تولید داخلی خبر می دهد و از سوی دیگر، مصرف کننده هنوز اثر محسوسی از این افزایش عرضه در قیمت نهایی مشاهده نمی کند. در این راستا مجید آتجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی اخیراً اعلام کرده که تولید برنج کشور با رشد ۱۶ درصدی به حدود ۲٫۲ میلیون تن رسیده و بیش از ۹۰ درصد محصول نیز برداشت شده است. افزایش بازندگی و رشد سطح زیر کشت از عوامل مؤثر در افزایش تولید عنوان شده اند.

با این حال در طرف دیگر بازار، دولت برای افزایش عرضه، امسال یک سیاست متفاوت را در پیش گرفت. وزارت جهاد کشاورزی ممنوعیت فصلی ترخیص برنج را که معمولاً از ابتدای مرداد تا پایان آبان اعمال می شد، لغو کرد. بر اساس ابلاغیه وزارتخانه، در سال ۱۴۰۵ امکان ترخیص برنج وارداتی در این دوره فراهم شد. این تصمیم از منظر اقتصادی قرار بود دوائر داشته باشد که دلیل نخست افزایش عرضه برنج خارجی و ایجاد رقابت با محصول داخلی و دلیل دوم جلوگیری از شکل گیری کمبود مصنوعی در بازار بود. معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی نیز در تیرماه تأکید کرده بود که محدودیت واردات وجود ندارد و افزایش عرضه می تواند با ایجاد رقابت، به تعدیل قیمت ها کمک کند. با این حال، رفتار قیمت در بازار نشان می دهد انتقال این سیاست به مصرف کننده به سادگی اتفاق نیفتاده است؛ چرا که بررسی گزارش های بازار در شهریورماه نشان می دهد قیمت برخی برنج های ایرانی همچنان در سطوح بالایی قرار دارد. حتی گزارش های اخیر از قیمت هایی در محدوده ۴۵۰ تا ۵۵۰ هزار تومان برای هر کیلو خبر می دهند و برخی ارقام ممتاز به مراتب بالاتر از این سطح معامله می شوند.

البته افزایش تولید به تنهایی الزاماً به معنای کاهش فوری قیمت نیست. هزینه شالی کوبی، سورتینگ، بسته بندی، حمل و نقل، عمده فروشی و خرده فروشی در فاصله مزرعه تا سفره قرار دارد و هر کدام می توانند بخشی از کاهش احتمالی قیمت در مبدأ را جذب کنند. اما مسئله زمانی جدی تر می شود که افزایش عرضه، چه از مسیر تولید داخلی و چه از مسیر واردات، نتواند فشار قابل توجهی بر قیمت مصرف کننده وارد کند. در تیرماه، معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی گفته بود پیش از اختلالات حمل و نقل در ربای در جنوب کشور، ماهانه حدود

رویتزر: تنگه هرمز کم‌تردد شده، اما مسیر تأمین کالاها متوقف نشده است

بر اساس گزارش رویترز، در بخش حمل دریایی در تنگه، شرایط نسبت به وضعیت عادی به مراتب پرریسک‌تر شده است اما روند تأمین کالا متوقف نشده است.

با وجود این کاهش شدید تردد، داده‌های وزارت جهاد کشاورزی نشان می‌دهد شبکه تأمین ایران تنها به این مسیر وابسته نمانده است. علی‌تیموری از استفاده از مسیرهای دریایی وریلی و کشورهای حاشیه دریای خزر خبر داده و محمدرضا طلایی نیز افزایش استفاده از بنادر شمالی و مرزهای زمینی را تشریح کرده است.

به بیان دیگر، هرمز همچنان یک گلوگاه مهم برای تجارت ایران است، اما اختلال در تردد این آبراه به معنای توقف زنجیره تأمین کالاهای اساسی نیست؛ زیرا بخشی از ظرفیت تأمین به سمت مسیرهای دیگر منتقل شده است.

فشارهای هوایی بیشتر شده، اما ساختار تأمین کالا به حمل هوایی وابسته نیست.

با این حال، برای ارزیابی تأمین کالاهای اساسی باید تفاوت میان حمل هوایی و شبکه اصلی واردات این اقلام را در نظر گرفت. اظهارات وزارت جهاد کشاورزی نشان می‌دهد بخش عمده نیاز وارداتی از طریق دریا، ریل و مسیرهای زمینی تأمین می‌شود؛ بنابراین محدودیت‌های پروازی لزوماً به معنای اختلال در جریان اصلی ورود کالاهای اساسی نیست.

پشتوانه مالی تأمین کالاهای اساسی تا پایان سال

علاوه بر موجودی کالا و مسیرهای جایگزین، تأمین مالی واردات نیز در هفته‌های اخیر دنبال شده است. بانک مرکزی در ۳ شهریور دستورالعمل اعطای تسهیلات ارزی برای واردات کالاهای اساسی را برای اجرا تا پایان سال جاری ابلاغ کرد؛ هدف این دستورالعمل، تداوم زنجیره تأمین، حفظ امنیت غذایی و تقویت ذخایر راهبردی اعلام شده است.

از سوی دیگر، حسین تاجیک، مدیرکل تجارت خارجی بانک مرکزی، ۲۱ شهریور گفت برای تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو تا پایان سال نگرانی وجود ندارد و پیش‌بینی‌های لازم برای ادامه تأمین ارز انجام شده است. او همچنین از انتقال بخشی از لجستیک به شمال کشور در پی مشکلات مسیرهای جنوبی خبرداد.

هزینه‌های تأمین افزایش یافته اما

قطع نشده است

اگر مجموعه این داده‌ها کنار یکدیگر قرار گیرد، تصویر فعلی چنین است: کالاهای اساسی در بازار و زنجیره توزیع در حال تأمین است، حجم قابل توجهی کالا در بنادر وجود دارد، واردات از مسیرهای جایگزین ادامه پیدا کرده، برای تأمین ارز تا پایان سال برنامه‌ریزی شده و مهم‌تر از همه، ذخایر راهبردی تاکنون برای جبران اختلالات مصرف نشده است.

این وضعیت البته به معنای بی‌اثر بودن تنش‌های منطقه‌ای نیست. کاهش تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز و محدودیت‌های هوایی می‌تواند هزینه‌و زمان حمل را افزایش دهد.



کالاهای اساسی تا پایان سال حتی با توقف پروازهای خارجی تأمین است

۵/۶ میلیون تن کالای اساسی در کشور و بنادر وجود داشت و همین موجودی اولیه به مدیریت بازار کمک کرد.

او همچنین گفت در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون تن کالای

اساسی در بنادر کشور وجود دارد و

بخش عمده کالاهای وارد‌شده نیز به بازار و واحدهای تولیدی منتقل

شده است.

طلایی اضافه کرد که در دوره جنگ، برخی فرآیندهای ثبت سفارش، گمرکی و تأمین ارز سرعت گرفته و در مواردی کالای وارد‌شده کمتر از یک هفته تأمین ارز شده است. همچنین سهم واردات از بنادر شمالی نسبت به سال قبل تقریباً دو برابر شده است.

این آمار یک نکته کلیدی را نشان می‌دهد که تأمین کالا صرفاً به ذخایر راهبردی متکی نیست؛ بخشی از نیاز از موجودی بنادر و انبارها پوشش داده می‌شود و هم‌زمان ورود محموله‌های جدید نیز ادامه دارد.

این تصویر چند روز بعد نیز در اظهارات وزیر جهاد کشاورزی تکرار شد. غلامرضا نوری قزلباش ۷ شهریور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری سیما گفت از آغاز جنگ ۹ اسفند تاکنون هیچ برداشتی از ذخایر انجام نشده و ذخایر کشور رو به افزایش بوده است.

ذخایر راهبردی نه تنها مصرف نشده، بلکه افزایش یافته است

تازه‌ترین اظهارنظر مهم در ایسن زمینه مربوط به اکبر فتحی، معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی است که ۲۲ شهریور اعلام کرد در تأمین کالاهای اساسی نه تنها کمبودی وجود ندارد، بلکه در برخی اقلام موجودی از سطح مورد نیاز برای ذخیره‌سازی راهبردی نیز بیشتر است.

فتحی همچنین تصریح کرد روند تأمین و ذخیره‌سازی به شکل مستمر ادامه دارد، ذخایر راهبردی کاهش پیدا نکرده و در شرایط فعلی هیچ ضرورتی برای برداشت از این ذخایر وجود ندارد.

به گفته او، سیاست وزارت جهاد کشاورزی این است که تأمین کالا به شکل پیش‌دستانه انجام شود تا حتی در شرایط بحرانی، جریان عرضه متوقف نشود.

۵/۵ میلیون تن کالای اساسی در بنادر؛ ورود کالا متوقف نشده است

محمدرضا طلایی، معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی، ۶ شهریور اعلام کرد که در آغاز جنگ حدود

با ادامه تأمین و افزایش ذخایر کالاهای اساسی، با وجود

توقف پروازهای خارجی نیاز کشور تا پایان سال تأمین است،

با وجود تداوم تنش در تنگه هرمز، کاهش تردد کشتی‌های تجاری در این آبراه و تحدید به محدود شدن ارتباطات هوایی ایران، شواهد و اظهارات مسئولین در هفته‌های اخیر نشان می‌دهد زنجیره تأمین کالاهای اساسی کشور همچنان فعال است و تاکنون حتی نیازی به برداشت از ذخایر راهبردی ایجاد نشده است.

در کنار موجودی کالا در بنادر و انبارها، ادامه واردات از مسیرهای دریایی، ریلی و زمینی و همچنین پیش‌بینی تأمین ارز تا پایان سال، مهم‌ترین پشتوانه استمرار این روند عنوان شده است.

علی‌تیموری، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی، ۲۸ مرداد در این ارتباط اظهار داشت که در جریان جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، تأمین نهاده‌ها و کالاهای اساسی ادامه داشته و برای تأمین نیاز کشور نیازی به استفاده از ذخایر استراتژیک وجود نداشته است.

به گفته او، از حدود ۱۴ میلیون تن واردات مورد نیاز کشور،

حدود ۱۰ میلیون تن از طریق مسیرهای دریایی و ریلی و کشورهای حاشیه دریای خزر تأمین می‌شود و در کالاهایی مانند گندم، برنج و روغن نیز مشکلی گزارش نشده است.

حفظ اشتغال؛ اولویت نخست اقتصاد کشور در دوران پسا جنگ

حفظ اشتغال؛ اولویت نخست اقتصاد کشور در دوران پسا جنگ

اولویت دولت در دوران بحران، «حفظ اشتغال

موجود» به جای ایجاد شغل جدید است. در شرایط کنونی کشور که از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم جنگ عبور می‌کند، سیاست‌گذاری اشتغال وارد فاز تازه‌ای شده است؛ فازی که در آن به جای تمرکز صرف بر ایجاد اشتغال جدید، «صنایات از اشتغال موجود» در اولویت نخست قرار گرفته است.

اظهارات مدیرکل دفتر نظارت و هماهنگی طرح‌های کارآفرینی وزارت کار درباره تخصیص ۱۳۰ همت تسهیلات اشتغال‌زایی و تشریح سازوکارهای حمایتی از بنگاه‌های آسیب‌دیده، نشان می‌دهد دولت از مدل «مدیریت تقاضا» به مدل «مدیریت بقاء» تغییر مسیر داده است.

از «ایجاد شغل» به «صنایات از شغل»؛ تغییر پارادایم

سیاست‌گذاری

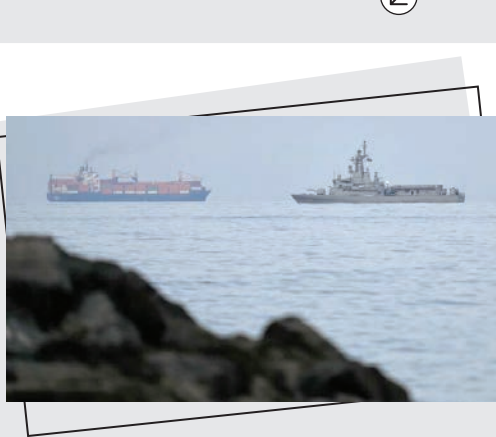
تحلیل مجموعه اقدامات یک سال گذشته در حوزه اشتغال نشان می‌دهد که این اقدامات را باید در زنجیره‌ای از حمایت از بنگاه‌ها، تأمین سرمایه در گردش، سیاست‌های فعال بازار کار، پرداخت تسهیلات اشتغال و حمایت از مشاغل خانگی و فریلنسرها دید. در شرایط عادی، تمرکز سیاست‌گذاری بر ایجاد اشتغال جدید است، اما در زمان جنگ یا بحران شدید، تمرکز بر «صنایات از اشتغال» قرار می‌گیرد.

استفاده از ابزارهای مالی کوتاه‌مدت و پارانه‌های دست‌مزد، در واقع ایجاد یک «سپر حفاظتی» برای بنگاه‌هاست تا فشار نقدینگی منجر به تصمیمات نکانشی نظیر اخراج کارکنان نشود. همچنین، گذار به سمت تخصیص منابع بر اساس داده‌های واقعی به جای تقسیمات اداری سنتی نشان‌دهنده تلاش برای بهینه‌سازی توزیع منابع در مناطقی است که ضربه سخت‌تری از بحران خورده‌اند.

چرا حفظ اشتغال در شرایط فعلی اهمیت حیاتی دارد؟

پاسخ به این پرسش از زبان خود سیاست‌گذاران شنیدنی است. مالک حسینی معاون اشتغال وزارت کار در مورد دلیل تمرکز بر حفظ اشتغال در شرایط بحران توضیح داد: «برش اشتغال به دلیل کاهش تقاضا یا اختلال در زنجیره تأمین با سرعت زیادی رخ می‌دهد و از دست رفتن نیروی ماهر، در واقع از دست رفتن بخشی از سرمایه انسانی بنگاه است؛ لذا دولت با ایجاد یک دوره تنفس، تلاش کرد تا بنگاه‌ها پس از بازگشت تقاضا، فعالیت خود را از سر بگیرند.» به گزارش تسنیم، در واقع نگاه دولت به بازار کار در

اخبار



محاصره انرژی در تنگه هرمز به غرب برگشت

آرین فضل‌ی

فشاری که در پی اقدامات نظامی آمریکا و تشدید محاصره اقتصادی ایران قرار بود هزینه سنگینی بر تهران تحمیل کند، حالا بخشی از همان فشار را به بازار انرژی غرب منتقل کرده است؛ گازوئیل آمریکا در هفته منتهی به ۲۱ سپتامبر به ۶۰ دلار در هر گالن رسید، صادرات گازوئیل خاورمیانه به اروپا به ۱۱۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد و قیمت گازوئیل کم‌گوگرد اروپا به رکورد ۱۶۴۲ دلار در هر تن رسید؛ در حالی که اختلال در تردد کشتی‌ها از هرمز، صادرات انرژی کشورهای حاشیه خلیج فارس را نیز تحت فشار قرار داده است.

بحران هرمز دیگر فقط در آب‌های خلیج فارس دیده نمی‌شود؛ اثر آن حالا روی پمپ‌های سوخت، هزینه حمل‌ونقل و بازار فرآورده‌های نفتی غرب هم قابل مشاهده است. از یک سو، محدود شدن مسیر صادرات انرژی، عرضه گازوئیل را در اروپا و آمریکا تحت فشار گذاشته و از سوی دیگر، واشنگتن در حالی از ادامه فشار بر ایران سخن می‌گوید که افزایش هزینه انرژی در داخل آمریکا به یکی از چالش‌های دولت ترامپ تبدیل شده است. کاهش اخیر قیمت نفت و باز شدن دوباره مسیر مذکر نیز نشان می‌دهد هزینه‌های بحران انرژی، معادله را از یک تقابل صرفاً سیاسی به مسئله‌ای اقتصادی برای خود غرب تبدیل کرده است.

شرارت در هرمز چگونه به بحران گازوئیل غرب رسید؟

ما چرا از جایی اهمیت پیدا می‌کند که بحران هرمز دیگر فقط مسئله عبور نفتکش‌ها نیست و مستقیماً بازار فرآورده‌های نفتی را تحت فشار گذاشته است. آژانس بین‌المللی انرژی گزارش داده صادرات گازوئیل مانند کشورهای خلیج فارس در ماه اوت به حدود ۳۹۰ هزار بشکه در روز رسیده؛ یعنی کمی بیشتر از یک‌چهارم سطح پیش از جنگ. صادرات گازوئیل خلیج فارس و روسیه نیز روزی ۱۰۶ میلیون بشکه در روز کمتر از فوریه بوده است. در همین شرایط، تنگه هرمز که یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است، عملاً با افت شدید تردد مواجه شده است. بر اساس داده‌های کشتنرانی، در ۲۱ سپتامبر تنها دو کشتی تجاری با اشراق نیروهای مسلح ایران از این مسیر عبور کردند؛ در حالی که پیش از تشدید درگیری‌ها میانگین عبور کشتی‌های بزرگ تجاری حدود ۱۲۵ فروند در روز بود. عربستان برای دور زدن بخشی از این اختلال، خط لوله شرق-غرب خود را دوباره فعال کرده که حدود ۴ میلیون بشکه در روز ظرفیت انتقال به دریای سرخ دارد، اما بازگشت ظرفیت کامل ۷ میلیون بشکه‌ای آن ممکن است ۸ تا ۶ هفته طول بکشد.

اروپا اولین قبیضی بحران هرمز را پرداخت کرد

اثر این اختلال در اروپا مستقیم‌تر دیده می‌شود. صادرات گازوئیل خاورمیانه به اروپا در سپتامبر به‌طور میانگین فقط ۱۱۰ هزار بشکه در روز بود؛ پایین‌ترین سطح از فوریه ۲۰۲۰ و بسیار کمتر از ۱۹۱ هزار بشکه در روز در اوت.

هم‌زمان، قیمت گازوئیل ppm ۱۰ در شمال غرب اروپا ۱۵ سپتامبر ۲۵.۱۶۲۲ دلار در هر تن رسید؛ بالاترین سطح این شاخص از زمان آغاز ثبت آن در سال ۲۰۰۷. قیمت شاخص FOBARA نیز در ۱۸ سپتامبر به ۱۵۲۴ دلار رسید، در حالی که پیش از آغاز جنگ ۷۵۲.۲۵ دلار بود. شرکت مطرح آمریکایی S&P Global علت این فشار را ترکیبی از اختلال صادرات خاورمیانه و ممنوعیت صادرات گازوئیل روسیه اعلام کرده است. بنابراین مسئله فقط گران شدن نفت خام نیست؛ اروپا با کمبود فرآورده‌ای مواجه شده که مستقیماً به کامیون، کشاورزی، صنعت و حمل‌ونقل وابسته است. هرچه گازوئیل گران‌تر شود، هزینه جابه‌جایی کالا و تولید نیز بالاتر می‌رود.

هزینه جنگ انرژی‌های ترامپ قمارباز از جیب مردم آمریکا

در آمریکا، قیمت متوسط گازوئیل جاده‌ای در هفته منتهی به ۲۱ سپتامبر ۵۲۹.۶ دلار در هر گالن رسید؛ در حالی که یک هفته قبل ۲۸۵.۶ دلار بود. داده‌های رسمی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) نشان می‌دهد این افزایش در ادامه جهش‌های هفته‌های اخیر رخ داده و قیمت گازوئیل از ابتدای سپتامبر از ۹۶۷.۵ دلار به ۵۲۹.۶ دلار رسیده است.

این افزایش فقط به جایگاه سوخت ختم نمی‌شود. کامیون‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، تجهیزات عمرانی و بخش بزرگی از زنجیره توزیع کالا به گازوئیل وابسته‌اند؛ بنابراین افزایش قیمت آن می‌تواند خود را در هزینه حمل، تولید و قیمت نهایی کالاها نشان دهد.

از همین جای تناقض مهم شکل گرفته است: آمریکا در حالی با جهش قیمت گازوئیل روبه‌روست که هم‌زمان یکی از تأمین‌کنندگان مهم بازار اروپا نیز محسوب می‌شود. محدود کردن صادرات برای کاهش فشار داخلی، می‌تواند بخشی از همین فشار را به بازار اروپا منتقل کند.

متحندان منطقه‌ای آمریکا هم تاوان می‌دهند

بحران هرمز فقط مصرف‌کننده آمریکایی و اروپایی را تحت فشار قرار نداده است. کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس نیز از کاهش جریان صادرات و اختلال در مسیرهای دریایی آسیب دیده‌اند. داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد صادرات نفت کشورهای خلیج فارس در اوت به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز رسیده که نزدیک به نصف سطح پیش از جنگ است و صادرات فرآورده و LPG نیز حدود ۶۰ درصد پایین‌تر از فوریه بوده است. به بیان ساده‌تر، کشورهایی که بخش بزرگی از درآمدشان به صادرات انرژی وابسته است، خودشان بخشی از صورت‌حساب اختلال هرمز را پرداخت می‌کنند. این همان نقطه‌ای است که فشار انرژی از ایران عبور کرده و به اقتصاد شرکای منطقه‌ای آمریکا و سپس بازارهای غربی رسیده است. البته همه بحران گازوئیل را نمی‌توان فقط به هرمز نسبت داد. حملات اوکراین به پایالیشگاه‌های روسیه و محدودیت صادرات فرآورده روسیه نیز عرضه جهانی را تحت فشار گذاشته است؛ اما هم‌زمانی افت شدید صادرات خلیج فارس با اختلال هرمز نشان می‌دهد این تنگه یکی از محورهای اصلی شوک فعلی بازار فرآورده‌ها است.

ایران هرمز را به ریف محاصره کرده زده است

در طرف دیگر معادله، ایران بازگشایی هرمز را صرفاً یک تصمیم فنی برای عبور کشتی‌ها نمی‌داند. اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در گفت‌وگویی با خبرگزاری دانشجو اعلام کرد ایران تا زمان تحقق شروط خود تنگه را باز نخواهد کرد و خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، آزادسازی منابع بلوکه‌شده، تعیین تکلیف خسارت‌ها و رفع محاصره دریایی و اقتصادی را از محورهای مورد مطالبه ایران عنوان کرده است.

این مقطع، فراتر از یک رویکرد اقتصادی ساده و صرفاً

موجود» به جای ایجاد شغل جدید است. در شرایط کنونی کشور که از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم جنگ عبور می‌کند، سیاست‌گذاری اشتغال وارد فاز تازه‌ای شده است؛ فازی که در آن به جای تمرکز صرف بر ایجاد اشتغال جدید، «صنایات از اشتغال موجود» در اولویت نخست قرار گرفته است.

اظهارات مدیرکل دفتر نظارت و هماهنگی طرح‌های کارآفرینی وزارت کار درباره تخصیص ۱۳۰ همت تسهیلات اشتغال‌زایی و تشریح سازوکارهای حمایتی از بنگاه‌های آسیب‌دیده، نشان می‌دهد دولت از مدل «مدیریت تقاضا» به مدل «مدیریت بقاء» تغییر مسیر داده است.

از «ایجاد شغل» به «صنایات از شغل»؛ تغییر پارادایم

سیاست‌گذاری

تحلیل مجموعه اقدامات یک سال گذشته در حوزه اشتغال نشان می‌دهد که این اقدامات را باید در زنجیره‌ای از حمایت از بنگاه‌ها، تأمین سرمایه در گردش، سیاست‌های فعال بازار کار، پرداخت تسهیلات اشتغال و حمایت از مشاغل خانگی و فریلنسرها دید. در شرایط عادی، تمرکز سیاست‌گذاری بر ایجاد اشتغال جدید است، اما در زمان جنگ یا بحران شدید، تمرکز بر «صنایات از اشتغال» قرار می‌گیرد.

استفاده از ابزارهای مالی کوتاه‌مدت و پارانه‌های دست‌مزد، در واقع ایجاد یک «سپر حفاظتی» برای بنگاه‌هاست تا فشار نقدینگی منجر به تصمیمات نکانشی نظیر اخراج کارکنان نشود. همچنین، گذار به سمت تخصیص منابع بر اساس داده‌های واقعی به جای تقسیمات اداری سنتی نشان‌دهنده تلاش برای بهینه‌سازی توزیع منابع در مناطقی است که ضربه سخت‌تری از بحران خورده‌اند.

چرا حفظ اشتغال در شرایط فعلی اهمیت حیاتی دارد؟

پاسخ به این پرسش از زبان خود سیاست‌گذاران شنیدنی است. مالک حسینی معاون اشتغال وزارت کار در مورد دلیل تمرکز بر حفظ اشتغال در شرایط بحران توضیح داد: «برش اشتغال به دلیل کاهش تقاضا یا اختلال در زنجیره تأمین با سرعت زیادی رخ می‌دهد و از دست رفتن نیروی ماهر، در واقع از دست رفتن بخشی از سرمایه انسانی بنگاه است؛ لذا دولت با ایجاد یک دوره تنفس، تلاش کرد تا بنگاه‌ها پس از بازگشت تقاضا، فعالیت خود را از سر بگیرند.» به گزارش تسنیم، در واقع نگاه دولت به بازار کار در



تخصیصی اسال ۱۳۰ هزار میلیارد تومان (۱۳۰ همت) است که نسبت به سال قبل ۳ درصد افزایش داشته است. بر اساس نسبت ۶۰-۴۰، منابع استانی به میزان ۴۰ درصد معادل ۵۲ هزار میلیارد تومان است که به صورت مساوی بین استان‌ها توزیع شد؛ به‌گونه‌ای که سهم هر استان ۱۶۷۷ میلیارد تومان بود. منابع ملی نیز به میزان ۶۰ درصد معادل ۷۸ هزار میلیارد تومان است که در اختیار نهادهای تسهیل‌گر ملی، ازجمله کمیته امداد، بهزیستی، بنیادهای علوی و برکت، دبیرخانه مشاغل خانگی و سازمان امور مالی قرار گرفته است.

وی خاطرنشان کرد: «در راستای حمایت از اشتغال پایدار، تا به امروز بیش از ۱۱۰ هزار پرونده تسهیلاتی به ارزش ۲۷ هزار میلیارد تومان از محل منابع استانی کارسازی شده است. هم‌اکنون نیز ثبت‌نام برای منابع ملی، ازجمله صندوق‌های نوآوری و شکوفایی برای دانش‌بنیان‌ها و مراکز فرآیند حرفه‌ای در جریان است و تمامی این فرآیندها به صورت یکپارچه در سامانه جامع تسهیلات اشتغال کشور (تک)» مدیریت می‌شوند.

سازوکار حمایتی دوگانه برای بنگاه‌های آسیب‌دیده

حسینی در رابطه با سازوکارهای حمایتی از بنگاه‌های آسیب‌دیده در جریان جنگ افزود: «میان دو گروه تفاوت قائل شدیم؛ برای بنگاه‌هایی که آسیب‌پذیری دیدند، منابعی برای بازسازی سرمایه ثابت در نظر گرفته شد و برای گروهی که به دلیل کاهش تقاضا با مشکل مواجه شدند، تأمین سرمایه در گردش و وامی داشت، و وی اشاره کرد: «با تلفیق منابع دولت و شبکه بانکی، حدود ۸۰ همت منابع برای حمایت از این بنگاه‌ها در نظر گرفته شد و همچنین به‌گی همچنین به حمایت‌های ویژه اشاره کرد و گفت: «علاوه بر تسهیلات جاری، منابع ویژه‌ای از طریق تبصره ۱۵ بودجه برای "حفظ اشتغال در شرایط ضروری" و همچنین اعتباراتی به عنوان سرمایه ثابت برای کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از جنگ در سامانه "کات" وزارت اقتصاد پیش‌بینی شده است.» وی درباره «اطلس ملی کسب‌وکارها» نیز توضیح داد: «تکنه کلیدی در این تحول، ایجاد این زیرساخت داده‌ای است که با هدف کاهش نرخ شکست کسب‌وکارها طراحی شده و به مردم و تصمیم‌گیران اجازه می‌دهد تا با شناخت دقیق ظرفیت‌های هر منطقه، بهترین فرصت‌های شغلی را شناسایی کنند. این سیستم در کنار "درگاه ملی مجوزها"، مسیر تبدیل شدن به یک کارآفرین موفق را هموار کرده و باعث می‌شود اشتغال در بخش‌های خرد، به جای تکرار الگوهای شکست‌خورده، بر اساس مزیت‌های نسبی هر منطقه شکل بگیرد.»



سلطه بخش مالی بر حقیقی؛ نگرانی صنعت زدایی از اقتصاد

میثم ظهوریان

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس دوازدهم

رشد شاخص بورس تهران در چند هفته پس از بازگشایی اگرچه در نگاه اول می تواند متغیر اقتصادی مثبتی تلقی شود اما در حالی رخ می دهد که شاخص های بخش حقیقی هم به واسطه جنگ رمضان و هم سیاست های ارزی دولت که از پاییز ۱۴۰۴ شروع و به دو شوک دی ماه ختم شد، به شدت نابطولب است.

یکی از چالش های مهم چشم انداز اقتصاد ایران، واگرایی بخش حقیقی و مالی و حتی سلطه بخش مالی بربخش حقیقی اقتصاد است. بخش حقیقی شامل تولید کالا و خدمات، اشتغال، سرمایه گذاری واقعی و رشد پایدار است، در حالی که بخش مالی به بازارهای پول، سرمایه، بورس و ابزارهای مالی مربوط است. وقتی این دو بخش از هم واگرا می شوند، رشد مالی می تواند موهوم و حتی مخرب شود. تورم بالا (رسیدن تورم کل از ۳۱ به ۸۰ درصد و تورم مواد غذایی از ۲۴ به ۱۲۵ درصد از شهریور ۱۴۰۳ تاکنون)، رشد اقتصادی نزدیک به صفر یا منفی (ازجمله برآورد رشد اقتصادی منفی ۶ درصد در بخش صنعت در سال جاری) تحت تأثیر جنگ و شوک های ارزی سال گذشته، ازجمله نشانه های وجود بحران در بخش حقیقی هستند.

در چنین شرایطی، صعود شاخص بازارهای مالی ناشی از ورود نقدینگی خارج شده از بخش حقیقی و جستجوی پناهگاه در برابر شوک های سمت عرضه در اقتصاد ایران است تا بازتاب رونق واقعی تولید. بسیاری از شرکت های بورسی با چالش های فروش، هزینه های فراینده و کاهش بهره وری دست و پنجه نرم می کنند. اما قیمت سهامشان تحت تأثیر جو روانی و تزریق پول بالا می رود. پدیده «سلطه مالی» یا ظهور و رشد بخش مالی و اگر از بخش حقیقی خطراتی جدی برای اقتصاد ایران دارد که می بایست مورد ملاحظه جدی سیاستگذاران قرار گیرد؛ اول، تخصیص ناکارآمد منابع؛ سرمایه ها به جای ورود به تولید و فناوری و کمک به ایجاد ارزش افزوده واقعی، در معاملات ثانویه بورس گردش می کنند و موجب ایجاد حباب خواهند شد. دوم، تشدید نابرابری؛ سهامداران (به ویژه حقوقی ها و سرمایه گذاران بزرگ) سود بیشتری می برند، اما خانوارهای عادی با تورم ورگود تولید مواجه اند یا حداقل فشار ناشی از تورم ورگود از سود حاصل از سرمایه های خرد آنها به مراتب بیشتر است. نکته: ۲ درصد از سهامداران بزرگ مالک ۹۳ درصد از کل ارزش بازار سهام هستند.

سوم، آسیب به ثبات کلان؛ رشد مالی بدون پشتوانه حقیقی در بلندمدت می تواند به بحران های مالی (مانند آنچه در برخی اقتصاد های در حال ظهور دیده شد) منجر شود. البته اصل رشد بازارهای مالی اگر همراه با بهبود کلی فضای اقتصادی کشور، اصلاحات ساختاری و هدایت نقدینگی به بخش های مولد باشد نکته مثبتی است اما در غیاب متغیرهای پیشگفته رشد بازارهای مالی می تواند به موتور مخرب بخش تولید تبدیل شود.

چهارم، صنعت زدایی از اقتصاد؛ نگرانی مهم فرآیند صنعت زدایی (deindustrialization) در اثر سلطه مالی است. وقتی نقدینگی سرگردان به سمت بازارهای مالی مستقل از بخش حقیقی و بازار دارایی هدایت می شود، سرمایه گذاری ثابت در بخش صنعتی که موتور رشد بلندمدت اقتصاد است، کاهش می یابد. بررسی شاخص های اقتصادی نشان می دهد اقتصاد ایران در حال حرکت به سمت افول صنعتی است؛ رشد بخش صنعت کند و حاشیه سود شرکت های تولیدی کاهش یافته است و بسیاری از واحدهای صنعتی با چالش تأمین مالی، دسترسی پایدار به انرژی و رقابت نابرابر مواجه اند. در چنین شرایطی با افزایش واگرایی بازارهای مالی از بخش حقیقی به جای توسعه کارخانه ها، فناوری و زنجیره تأمین، منابع مالی به سمت معاملات ثانویه بازار مالی و دارایی های غیرمولد می رود. این روند زود هنگام صنعت زدایی، اشتغال صنعتی را تهدید می کند، وابستگی به واردات و افزایش ظرفیت تولید واقعی را فرسایش می دهد. بورس می تواند موتور تأمین مالی تولید باشد، نه جایگزین آن. برای جلوگیری از سلطه مالی، سیاست گذاران باید از طریق کیفیت بخشی به نقدینگی (هدایت اعتبار به بخش حقیقی)، حمایت از تولید (به ویژه در بخش های دارای ارزش افزوده بالا به جای خام فروشی) از طریق مشوق های واقعی و پرهیزن کردن سفته بازی ودلali در اقتصاد تعادل ایجاد کنند. رشد شاخص بورس اگرچه در نگاه اول خوشایند است، اما بدون رشد تولید، اشتغال و رفاه، تنها یک «اینه کج» از اقتصاد خواهد بود. اقتصاد ایران نیاز به همگرایی دو بخش دارد تا رشد پایدار و فراگیر محقق شود. نهاد در این صورت، بازار سرمایه نه منبع نگرانی، بلکه ابزار توسعه واقعی خواهد بود.

عقب نشینی اروپا از مقررات سختگیرانه اقلیمی در پی شوک انرژی جنگ ایران

افزایش قیمت گاز اروپا از حدود ۲۷ یورو به ۸۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت و رشد نفت برنت از ۷۲.۵ دلار پیش از جنگ به بیش از ۱۰۰ دلار، دولت های اروپایی را برای کاهش هزینه انرژی تحت فشار قرار داده است. امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه از اوروزلا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا درخواست کرده است اجرای مقررات جدید انتشار متان یک سال به تعویق بیفتد و محدودیت های فنی یا لایشگاه ها نیز موقتاً تسهیل شود؛ اقدامی که به گفته پاریس می تواند تولید گاز وئیل و سوخت هواپیما را ۵ تا ۲۵ درصد افزایش دهد. بیش از ۱۲ عضو اتحادیه اروپا ازجمله آلمان نیز خواستار تعویق یا تعلیق مقررات متان شده اند.

امانوئل مکرون در نامه ای به اوروزلا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، خواستار اقدام فوری بروکسل برای کاهش قیمت انرژی شده است، یکی از اصلی ترین درخواست های فرانسه، تعویق یک ساله اجرای الزامات جدید اتحادیه اروپا درباره انتشار متان برای واردکنندگان نفت و گاز است.

این مقررات قرار است از ابتدای ۲۰۲۷ اجرا شود و شرکت های واردکننده را ملزم می کند میزان انتشار متان در زنجیره تأمین نفت و گاز خود را اندازه گیری و راستی آزمایی کنند. مکرون پیشنهاد کرده اجرای آن تا ابتدای ۲۰۲۸ عقب بیفتد؛ زیرا دولت فرانسه معتقد است اجرای مقررات در شرایط فعلی می تواند تأمین انرژی اروپا را دشوارتر کند. فرانسه تنها کشور متقاضی تعویق نیست. بیش از ۱۲ عضو اتحادیه اروپا، ازجمله آلمان که بزرگ ترین بازار گاز این اتحادیه است، پیش تر خواستار تعویق یا تعلیق این الزامات شده اند. کمیسیون اروپا در جولای این دولت ها خواست جرمیه های مالی مربوط به مقررات را تا پایان ۲۰۲۹ اعمال نکنند، اما تاکنون با عقب انداختن اصل اجرای مقررات موافقت نکرده است.

■ شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵ ■ ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۶ September ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۶۴

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۱۳۴۳۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



بازار لوازم یدکی زیر تیغ گرانی؛ خرید قطعه استوک رونق گرفت

گزارش

یا حتی قطعه اصلی نمی رود. اول قیمت می گیرد، بعد درباره برند سؤال می کند و در نهایت اگر رقم بالا باشد، از تعمیرکار می پرسد: «نمی شود همین قطعه را تعمیر کرد؟» این تغییر رفتار به معنی از بین رفتن تقاضا نیست. خودرو همچنان باید تعمیر شود و قطعات مصرفی را نمی توان برای همیشه کنار گذاشت. اما تقاضا از خرید قطعه نو و گران به سمت گزینه های ارزش از حرکت گرفته است.

قطعات استوک، نمونه های اقتصادی تر و تعمیر قطعه قبلی حالا برای بخشی از مشتریان به گزینه های جدی تبدیل شده اند. در خودروهای قدیمی تر این وضعیت بیشتر دیده می شود؛ چراکه مالک معمولاً حاضر نیست برای تعمیر خودرویی که ارزش آن محدود است، هزینه ای نزدیک به قیمت یک قطعه نو و گران قیمت پرداخت کند.

قطعات چند صد هزار تومانی تا چند میلیون تومانی قیمت ها نیز فاصله زیادی با یکدیگر دارند. قطعات ساده و مصرفی برخی خودروهای داخلی هنوز در محدوده چند صد هزار تومان معامله می شوند، اما وقتی نوبت به قطعات فنی و مجموعه ای می رسد، رقم ها به چند میلیون تومان می رسد. به عنوان نمونه، گزارش میدانی از بازار تهران نشان می دهد که بسیاری از قطعات پرمصرف خودروهای داخلی مانند پراید، پژو ۴۰۵، سمند و ال ۹۰ طی ماه های اخیر رشد ۲۰ تا ۸۰ درصدی را تجربه کرده اند. برای نمونه، کیت تسمه تایم اورجینال ال ۹۰ به حدود ۱۱ میلیون و ۲۰ هزار تومان رسیده، سرسیلندر کامل دوگانه ایساکو پژو ۴۰۵ حدود ۲۷ میلیون تومان و کمپرسور کولر پژو ۴۰۵ حدود ۲۱ میلیون و ۸۸۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است.

در بخش بدنه نیز زودری کامل پراید حدود ۳ میلیون و ۶۰ هزار تومان و سپر جلو پژو پارس حدود ۵ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان معامله می شود، در حالی که قطعات کوچک تر مانند نوار درزگیر حدود ۳۰۰ هزار تومان و درپچه کولر حدود ۹۶ هزار تومان باقی مانده اند.

در همین حال، قطعات سیستم ترمز و کلاچ نیز روند صعودی داشته اند؛ لنت ترمز جلو پارس برای پراید حدود یک میلیون و ۲۵ هزار تومان، لنت تکستار پژو ۴۰۵ حدود ۱ میلیون و ۶۵۰

نرخ سبد معیشت دو برابر شد

عضو گروه کارگری شورای عالی کار گفت: ترمیم دستمز نباید صرفاً شامل حداقل بگیران شود، بلکه بایستی تمامی سطوح مزدی، از حداقل بگیران و سایر سطوح مزدی گرفته تا بازنشستگان، مستمری بگیران و یازماندگان را دربر بگیرد. محسن باقری، عضو گروه کارگری شورای عالی کار، با اشاره به جلسه اخیر شورای عالی کار و با تأکید بر ضرورت بازنگری و ترمیم دستمزد کارگران، به اینا گفت: انتظار گروه کارگری این است که با توجه به مصوبه دستمزد شورای عالی کار و با توجه به شرایط اقتصادی موجود و افزایش قابل توجه هزینه های زندگی، موضوع ترمیم دستمزد در دستور کار شورای عالی کار قرار گیرد.

وی ادامه داد: در این مدت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، کمیته دستمزد را تشکیل نداد تا محاسبات مربوط به سبد معیشت و میزان افزایش هزینه های زندگی، به صورت جمعی و با حضور نمایندگان گروه های کارگری انجام شود؛ موضوع مستقیماً به شورای عالی کار منتقل شده است. در این نشست، مقداری روی این موضوع که افزایش چقدر و روی کدام آیتم ها باشد گفت وگو شد و در نهایت قرار شد وزیر کار موضوع را از طریق هیات دولت پیگیری کند.

این فعال کارگری افزود: در حال حاضر، محاسبات مستقل گروه کارگری نشان می دهد که هزینه های سبد معیشت نسبت به گذشته بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. در شرایط فعلی، افزایش قیمت ها به حدی رسیده که دیگر موضوع صرفاً بر سر اختلاف در محاسبه سهم اقلام مختلف سبد معیشت نیست، بلکه اصل افزایش هزینه های زندگی کاملاً محسوس و قابل مشاهده است.

وی ادامه داد: در گذشته، بر سر نحوه محاسبه سهم اقلام

مانند گوشت قرمز، برنج و سایر کالاها در سبد معیشت بحث می کردیم تا بتوانیم با استناد به ارقامی که به دست می آوریم، قدرت چانه زنی بیشتری برای افزایش دستمزد داشته باشیم، اما امروز شرایط به گونه ای تغییر کرده که حتی اگر سبد را به صورت بسیار حداقلی هم محاسبه کنیم، باز هم دستمزد کارگران با توجه به افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی، بسیار عقب تر از نرخ حداقلی سبد است.

باقری اظهار کرد: در حال حاضر، تورم در گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها به سطوح بسیار بالایی رسیده و حتی سه رقمی شده. پیش بینی ما نمایندگان کارگری این بود که در خردادماه تورم خوراکی ها به این سطح برسد که این اتفاق نیز رخ داد.

این فعال کارگری افزود: در حال حاضر نیز پیش بینی ما حداقل بگیران و سایر سطوح مزدی گرفته تا بازنشستگان،

S5 حدود ۱۹۰ تا ۱۹۳ میلیون تومان، ساعت گیربکس جک S5 حدود ۱۰۳ میلیون تومان و دبل کلاچ گیربکس جک S5 حدود ۷۶ تا ۹۲ میلیون تومان قیمت دارد. در بخش بدنه نیز سپر جلو یا عقب برخی مدل های ام وی ام X22 پرو تا ۳۵ میلیون تومان و چراغ جلو ام وی ام X22 حدود ۱۱ تا ۱۴.۵ میلیون تومان گزارش شده است.

اتحادیه لوازم یدکی تهران نیز در ماه های اخیر به طور مشخص از کمبود قطعات خودروهای چینی سخن گفته است؛ بنابراین نمی توان وضعیت تأمین قطعات خودروهای داخلی را به کل بازار تعمیم داد. این ارقام در کنار محدودیت عرضه، هزینه تعمیر خودروهای مونتاژی را نسبت به مدل های داخلی به مراتب سنگین تر کرده است.

فروشنده هم از نوسان قیمت در امان نیست

در سمت دیگر بازار، فروشنده قرار دارد؛ کسی که باید موجودی خود را با قیمت امروز بفروشد و همان کالا را با قیمت جدید جایگزین کند. در شرایطی که قیمت ها مرتب تغییر می کند، فروش یک قطعه لزوماً به معنی تحقق سود قطعی نیست؛ چراکه هزینه خرید مجد آن می تواند تغییر کرده باشد. در شرایطی که قیمت ها مرتب تغییر می کند، فروش یک قطعه لزوماً به معنی تحقق سود قطعی نیست؛ چراکه هزینه خرید مجد آن می تواند تغییر کرده باشد. همین مسئله یکی از باعث شده قیمت یک قطعه در فروشگاه های مختلف یکسان نباشد. برند، کشور سازنده، اصالت کالا، موجودی فروشنده و زمان خرید هر کدام می تواند روی قیمت نهایی اثر بگذارد.

از سوی دیگر، فعالان صنفی می گویند بیش از ۷۰ درصد قطعات یا وارداتی هستند یا مواد اولیه وارداتی دارند. بنابراین بازار لوازم یدکی به شکل مستقیم و غیرمستقیم از ارز و شرایط واردات تأثیر می گیرد.

قاجاقی هم در بازار خودش را نشان می دهد

در همین شرایط، قطعات قاجاقی همچنان در حاشیه بازار حضور دارند. پلیس امنیت اقتصادی تهران از کشف بیش از ۲۵ هزار قلم لوازم یدکی قاجاقی به ارزش ۳۰ میلیارد تومان در یک انبار در محدوده عبدالآباد خبر داد؛ این کشف نشان می دهد بخشی از عرضه بازار خارج از مسیر رسمی واردات و توزیع قرار دارد. وجود کالای قاجاقی در بازاری که مشتری به دنبال ارزان تر تمام شدن تعمیر خودرو است، اهمیت بیشتری پیدا می کند. اختلاف قیمت می تواند بخشی از مشتریان را به سمت کالاهایی بربد که اصالت یا مسیر تأمین آن ها روشن نیست؛ موضوعی که در قطعات حساس خودرو، علاوه بر هزینه اقتصادی، مسئله ایمنی نیز ایجاد می کند.

بازار رکود دارد. اما نیاز به قطعه متوقف نشده است

با وجود همه این مشکلات، بازار لوازم یدکی را نمی توان بازاری بدون مشتری دانست. خودروهای موجود در کشور هر روز نیاز به سرویس، تعمیر و تعویض قطعه دارند. تفاوت اینجاست که مشتری دیگر مانند گذشته صرفاً به دنبال «قطعه موجود» نیست؛ او به دنبال قطعه ای است که بتواند با کمترین فشار مالی تهیه کند.

به همین دلیل، بازار هم زمان دو تصویر دارد: از یک طرف قطعاتی که در انبارها و فروشگاه ها وجود دارند و از طرف دیگر مشتریانی که به دلیل قیمت بالا برای خرید آن ها مردند. در برخی گروه ها نیز کمبود واقعی وجود دارد و مشتری برای یافتن قطعه مناسب باید زمان بیشتری صرف کند.

مسئله بازار لوازم یدکی فقط گرانی یا فقط کمبود نیست. مسئله اصلی، به هم رسیدن سه عامل هزینه بالای تأمین، دشواری دسترسی به برخی قطعات و کاهش قدرت خرید مشتری است. نتیجه این سه عامل، کاهش قدرت خرید مشتری است. نتیجه دسترسی به برخی قطعات و کاهش قدرت خرید مشتری است. نتیجه دسترسی به برخی قطعات و کاهش قدرت خرید مشتری است؛ مشتری بیشتر قیمت می گیرد، بیشتر چانه می زند، بیشتر سراغ قطعات ارزان تر می رود و در نهایت، گرانه استوک و اقتصادی را به خرید قطعه نو ترجیح می دهد.



مستمری بگیران و یازماندگان را دربر بگیرد. در شرایط فعلی کشور، نمی توان این مسئله را به سادگی رها کرد و انتظار داشت که آثار افزایش هزینه های زندگی بر خانوارهای کارگری بدون پیامد باقی بماند.

عضو گروه کارگری شورای عالی کار گفت: خوشبختانه اصل افزایش هزینه های زندگی مورد پذیرش قرار گرفته و حتی وزارت کار نیز معتقد است که باید اقدامی در جهت افزایش و ترمیم دستمزد انجام شود. اکنون لازم است دولت، کارفرمایان و سایر دستگاه های مرتبط به این موضوع توجه کنند و ترمیم دستمزد را به عنوان یک اقدام ملی و یک ضرورت اجتماعی در دستور کار قرار دهند. این موضوع صرفاً مطالبه یک گروه خاص نیست و آثار آن بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور قابل توجه است.

وی درباره روند تصمیم گیری برای ترمیم دستمزد نیز گفت: وزیر کار برای پیشبرد این موضوع نیازمند هماهنگی های درون دولت و جلب نظر سایر بخش هاست. از یک سو باید نظر دولت در این زمینه هماهنگ شود و از سوی دیگر، ملاحظات مربوط به کار زمان بندی تأمین اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا زمینه اتخاذ یک تصمیم مشترک فراهم شود. در حال حاضر منتظر شکل گیری این هماهنگی ها هستیم. عضو گروه کارگری شورای عالی کار در پایان تأکید کرد: با توجه به روند افزایش قیمت ها و پیش بینی تداوم افزایش تورم در سایر کالاها و خدمات طی ماه های آینده، ترمیم دستمزد دیگر صرفاً یک مطالبه اقتصادی نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ قدرت خرید خانوارهای کارگری و مدیریت پیامد های اجتماعی شرایط موجود است و باید در اسرع وقت در شورای عالی کار مورد رسیدگی قرار گیرد.